

## دولت های عرب شیعه در تاریخ (سخنرانی در آبان 1351 در حسینیه ارشاد) سید حسن الامین فرزند علامه سید محسن الامین

به جای مقدمه

در سال 1351، حسینیه ارشاد از استاد حسن الامین فرزند بزرگوار مرحوم آیت الله سید محسن امین برای سخنرانی در حسینیه دعوت کرد. در پی این دعوت و حضور مرحوم حسن الامین، ایشان سه سخنرانی در آنجا ایراد کرد. نخستین آنها در موضوع دایرة المعارف شیعه بود که کتابی مفصل از آثار ارزشمند مرحوم حسن الامین است و سالهاست که به طور کامل چاپ شده است. سخنرانی دوم در باره تشیع در میان اعراب بود. عنوان سخنرانی سوم خیانت‌های تاریخ بود.

این سخنرانی‌ها توسط استاد جمال الدین موسوی اصفهانی ترجمه شد و در سال 1359 تحت نام «تشیع انقلابی زیر شکنجه ارتجاع» توسط نشر روح در قم چاپ شد.

سخنرانی دوم با عنوان الشیعة بین العرب یا تشیع در میان اعراب در 25 رمضان سال 1392 ق برابر با 11 آبان ماه 1351 ایراد شد.

ترجمه آن از روی متن سخنرانی که عربی بوده و آن هم در این کتاب چاپ شده، صورت گرفته است. مع الاسف ترجمه چندان روان نیست و نیاز به ویرایش جدی دارد. با این حال چون موضوع سخنرانی و نگرش ارائه شده در آن جالب بود، همان متن را در اینجا خدمت دوستداران تاریخ تشیع ارائه می‌کنیم.

این مقاله در روزگاری که بار دیگر قدرت تشیع در جهان عرب رو به فزونی نهاده است می‌تواند زمینه تحقیقات تازه‌ای برای بررسی تاریخ شیعه باشد.

مرحوم استاد حسن الامین در این موضوع نوشته‌هایی هم به عربی دارد که به فارسی در نیامده است. خواستاران تفصیل بیشتر، می‌توانند به آن کتاب‌های ایشان مراجعه کنند. با توجه به تلاش‌های طولانی و گسترده این استاد باید گفت سهم وی در تاریخ تشیع بسیار وسیع و همانند پدرش حق بزرگی بر گردن شیعیان دارد. در واقع، کار کتاب اعیان الشیعه از سید محسن امین، الذریعه از آقابزرگ، الغدیر علامه امینی و دایرة المعارف الشیعیه ایشان از آثار برجسته‌ای است که در چند دهه اخیر در شناساندن شیعه نوشته شده است. جعفریان

بسم الله الرحمن الرحيم

با اینکه تشیع در بلاد عربی، زاده شده و اولین بار در میان عرب پیشرفت کرد ولی خواست خداوند چنین بود که شیعه فقط در محدوده عرب نباشد. از همان روز اول عده‌ای از مسلمانان با اخلاص، اطراف امیر المومنین علی (ع) را گرفتند تا روح اسلام را از انحراف حفظ کرده و از تحریف کنندگان نگهدارند. از همان روز اول در کنار رجال و شخصیت‌های عرب، قهرمانی از قهرمانان ایرانی با آنها همراه بود که او سلمان فارسی می‌باشد.

به این ترتیب خدا خواسته است هیچ گامی تشیع بر ندارد مگر با همراهی و مشارکت ایرانیان و به دنبال اولین گام، تشیع مسیر خود را تحت حمایت و رعایت و همکاری ایرانیان تنظیم و تعقیب کند.

شاید آن روزی که پیغمبر (ص) سخن جاودان خود را بیان کرد و فرمود «سلمان از خاندان ما است، از اهل بیت است» جمله‌ای که هیچکدام از اصحاب پیغمبر بدان دست نیافتند، شاید پیغمبر با این سخن اشاره می‌کرد به نقش مؤثری که در آینده سلمان فارسی به عهده خواهد گرفت و آنگاه پس از سلمان، نقش مؤثری که قوم سلمان فارسی در خدمت به اهل بیت به عهده خواهند گرفت.

دولت ادیسیان

در گذشته برای اولین بار شیعیان عرب توانستند در شمال آفریقا دولتی شیعی تأسیس کنند. این دولت از آنجا پدید آمد که ادریس فرزند عبدالله فرزند حسن المثنی فرزند حسن بن علی بن ابی طالب (ع) وقتی توانست خود را از قربانگاه حجاز، واقعه فح نجات بخشد و از شهری به شهر دیگر در حال فرار بود، توانست خود را به آفریقای شمالی برساند و در آنجا توانست سرزمینی از آنرا مستقل سازد. این سرزمین اکنون دو قسمت شده قسمتی از آن را امروز به نام کشور مغرب و قسمت دیگر آن به نام الجزایر خوانده می‌شود و در آنجا اولین دولت شیعی را در تاریخ اسلامی تأسیس کرد. این کار در سال 172 هجری انجام شد. داستان فرار ادریس از حجاز تا رسیدن او به آفریقای شمالی به اتفاق رفیقش

راشد داستانی جالب است و در خور دقت و تأمل می باشد. این قضیه نشان دهنده نوع توجه دقیقی است که در زیر پرده، ملتها نسبت به زعمای شیعه و پیشوایان آنان ابراز می داشتند. داستان معاضدت با ادریس نشان می دهد که هرگاه ملتی می توانست از آراء خود رسماً دفاع کند، هیچگونه تردیدی نداشت که باید در کنار شیعیان بایستد.

از این بالاتر، نقشه و برنامه ای که پیشوایان و امامان شیعه ترسیم می کردند و راهی که شیعیان می پیمودند، خصوصاً در زمان حضرت صادق (ع) این بود که عده ای از رجال شیعه را می ساختند و آنها را برای فعالیت های اجتماعی آماده می کردند تا در زندگی اجتماعی برای اهداف تشیع بفرستند. اینان موفق می شدند مهمترین مناصب حکومتی را به دست بیاورند. این شیعیان در دستگاه های حکومتی جور پناهگاه مظلومان و حامی مستضعفان می شدند. نقشی که ائمه در این زمینه داشتند برکات زیادی برای امت اسلامی داشت. به این ترتیب می توانیم صریحاً به شما بگوئیم که هنوز آنچنانکه باید روی پیشوایان و امامان شیعه تحقیق به عمل نیامده و نقش امامان در نجات دادن ملت های اسلامی از زیر یوغ حکومتها حتی برای خود شیعیان همچنان مجهول مانده است.

امتیاز نجات ادریس از دستگاه های حکومتی و رساندن خود را سالم به شمال آفریقا نشان دهنده یک نوع حرکات دقیق ملت به پشتیبانی و حمایت از تشیع است. به ویژه نشان دهنده آن عده از مردان مبارزی است که پیشوایان تشیع آنها را ساخته و آنان را در مصاف حیات اجتماعی فرستاده اند. ادریس وقتی به مصر رسید، پرده از کارش در مصر برداشته شد. در اینجا مورخان اختلاف دارند. بعضی از آنها می گویند او خودش نزد رجال حکومت مصر پرده از رازش بر گرفت و بعضی دیگر از مورخان می گویند این خود دستگاه های حکومت مصر بودند که توانستند از کار خروج ادریس پرده بردارند. در کار کشف و معرفی ادریس در مصر به هر کدام از این دو نظر بگراییم جای تردید نیست از نظر تاریخ که این خود مصر و رجال حکومت آن بودند که برنامه او را برای این حرکت تنظیم کردند و برای رسیدن او و رفیقش راشد از مصر به شمال آفریقا راهنمایی به عمل آوردند. او به شهر ولیلی در شمال آفریقا آنجا که امروز در کشور مغرب به همین نام معروف است رسید. او به جایی رسید که به اندازه ای از حوزه حکومت دور شده بود که رجال حکومت اسلامی دیگر نمی توانستند او را از آنجا باز گردانند. در آنجا خود را رسماً آشکار ساخت. در این جا است که عقل انسان مدهوش می شود و از استقبال و خوشآمد عجیب ملت و زعمای ملت از این میهمان نوازی شیعی از کسی که تا اقصی نقاط نزد آنها آمده است تعجب می کند. همه نسبتاً از او استقبال کردند. اطراف او را گرفتند و کلیله قبائل به او خوش آمد گفتند. ادریس در آنجا حکومت ادریسیان را اعلام کرد یا بهتر بگوئیم اولین حکومت اسلامی شیعی را رسماً اعلام کرد. خوشآمدی که ادریس از مردم دریافت کرد و پیروزی سریعی که به دست آورد با بهترین زبان نشان دهنده و گویای یک نوع تبادل عواطفی است که در قلب مردم از رهبران شیعی وجود داشت و نشانه یک احترام زیر پرده و سرکوب شده ای بود که در دل مردم از شیعه موجود بود. من در این وقت کوتاه، نمی توانم برای شما تفصیل بدهم و کارهای مهمی را که دولت ادریسیان در شمال آفریقا انجام داد تشریح کنم. من اقدامات مهم حکومت اسلامی ادریسیان را به این شرح برای شما کوتاه می کنم:

کار طوری بود که امویان و عباسیان نتوانستند اسلام را از ناحیه خود به قلوب مردم در آنجا وارد کنند، زیرا حکام اموی و عباسی دورترین مردم بودند از روح مردم و واقع اسلامی، از این رو کسانی که در آفریقا مسلمان می شدند پیوسته در نهضت ها و جنبش ها و قیامهایی علیه حکام ظالم شرکت می جستند. اما مردم عادی به هیچ وجه مسلمان نشده بودند. ولی ادریس که نواده پیغمبر (ص) و امیرالمومنین و نماینده کامل آنها و مجسمه ای از خصوصیات پیغمبر و علی بود به محض رسیدن به آنجا، هنوز مردم آفریقا را به اسلام دعوت نکرده بود و حکم صحیح اسلامی صادر نکرده بود، که خیلی زود مردم به اسلام توجه پیدا کردند و اطراف او را گرفتند و از او حمایت کردند و لشگریان و قهرمانان می دانش شدند و از او سخت دفاع کردند. به این ترتیب باید گفت اولین اقدام اساسی که دولت ادریسیان به آن دست زده گسترش و همگانی کردن اسلام در شمال آفریقا بود.

آن گاه نوبت به نهضت علمی و فکری و فرهنگی آنها می رسد. نهضت علمی و فکری از شهر (فاس) پایتخت ادریسیان آغاز می شد و از آن جا به همه شهرها و سرزمین های آفریقا منتشر شد.

من در اینجا می خواهم یکی از حقایق تاریخ را صریحاً بیان بکنم. مورخانی که بر این حقیقت اعتراف ندارند، یا از روی عمد است یا واقعاً آن را نمی دانند. آن حقیقت این است که: همه حکومت های شیعی که در تاریخ ثبت شده دو خصوصیت بزرگ همراه داشته است. این دو چیز بزرگ را همه دولت های غیر شیعی نداشته اند و از امتیازات دولت های شیعی باید شمرد. این دو چیز عبارت است از:

1- آزادي فكري به مردم دادن .

2- نگهداري و پرورش دانش ، اندیشه ، شعر و ادب مانند پدري که فرزندش را مي پرورد .

نهضت هاي علمي ادبي و فكري در سايه دول شيعي بر پا شده است کليه اين نهضت ها در عهد ادریسیان ، فاطمیان ، حمدانیان ، بویهیان ، مرداسیان ، مزیدیان و بني عمار بوده است. این نهضت هاي فكري در ادوار این دولت ها و حکومت ها چیزی نیست که بتوان در اینجا تفصیل داد، ولي در خلال بحثهاي آینده برخي از مطالب آنان را متذکر مي شويم . شريف ادریسی - يکي از فرزندان همین ادریسیان است .

او صاحب کتاب «نزه المشتاق في اختراق الافاق» و صاحب اولین جغرافیای جهان است و کتاب نزه المشتاق شرح اولین نقشه است. من متأسفم که در این وقت کم نمي توانم به تفصیل درباره شريف ادریسی سخن بگويم و بیش از این ممکن نیست درباره شريف ادریسی و ساير ادریسیان به طور کلي بحث کنم. در حقیقت سخنرانی درباره شريف ادریسی بیش از یک جلسه وقت احتیاج دارد. برای اینکه در نشان دادن تاریخ امانت کامل را رعایت کرده باشیم باید در اینجا بگويم که حکومت و حرکت ادریسیان یک حرکت صددرصد عربي خالص نبود. این دولت مخلوطي از عربها و بربرها بود . زیرا نژاد بربر در مغرب در حقیقت قسمتهائی از پیکر جامعه ي آنها را تشکیل مي داد.

و در آغاز امر، بربرها بودند که بنیاد حرکت ادریسیان را نهادند. ولي ما مي توانيم دولت ادریسیان را یک دولت عربي بگويم زیرا رهبري حرکت ادریسیان وسیله اعراب صورت مي گرفت. گذشته از این اعراب شرکت فعالی با بربرها در مغرب داشتند ، و علاوه بر این عربهاي اندلس که زیر نفوذ حکومت امویان بودند هم به سوي آنها کشیده شدند. درباره تعداد عربهاي اندلس مورخان نوشته اند تنها از شهر قرطبه، عده اعرابی که به ادریسیان در شهر فاس پیوست 8000 خانواده بودند و به این ترتیب مي فهميم که مردم چگونه از دربار حکومت امویان در اندلس خود را بیرون کشیده به سوي دولت عربي شيعي رو مي آوردند و بدان پناهنده مي شدند .

دولت فاطمیان

دومین دولت شيعي عربي ، دولت فاطمیان است. این فقط بزرگترین دولت شيعي نبود بلکه در حقیقت باید گفت بزرگترین حکومت اسلامي بوده است. اگر میزان عظمت و بزرگی در نگهداري و حفظ علم و ادب و گسترش فرهنگ اسلامي به همه جا باشد، این کشور بزرگترین کشورهای اسلامي است و نیز مقیاس عظمت اگر زیر نظر گرفتن و تربیت کردن مسائل فكري و عقیدتي و تحریص علما و دانشمندان و شعرا و ادبا به کار خودشان باشد و هدف یک دولت بزرگ این باشد که این عده از دانشمندان و نویسندگان و ادبا را از کارهاي روزانه آزاد سازد و فرصت و مجال به آنها بد هد که دنبال زندگی روز مره نروند و وقتشان را به کارهاي علمي بپردازند و کاری به کار مسائل زندگی نداشته باشند و اگر میزان عظمت یک حکومت این باشد که در آن به آزادي ادیان و مذاهب توجه شود و آنها را تحت فشار نگذارد و تنها با آنها به نحو شایسته به بحث بپردازند، اگر میزان چنین باشد، باید گفت دولت فاطمیان بزرگترین دولتي است که جهان اسلام در تاریخ خود تا کنون دیده است و اصولا باید گفت تنها دولتي که در این کار موفق شده است دولت فاطمیان بوده است . باز از نظر تنگی وقت متأسفم که اجازه ندارم همه آنچه را مي خواهيم درباره این حکومت براي شما بگويم.

بیان شخصیت يکي از مردان این حکومت مانند شخصیت «المعز لدين الله» خود تنها چندین جلسه سخنرانی احتیاج دارد. آنچه مي توانيم در این جلسه بگويم فقط بعضي از نمودههاي این دولت است . اولین دولتي که در جهان اسلام علم و دانش را زیر نظر گرفت دولت فاطمي بود. مقصود از پیگیری و حفاظت از علم این است که براي کار نشر علم نقشه ها طرح کرد و برنامه ها به وجود آورد و بودجه حکومت را در این راهها مصرف کرد. به زبان امروز مي توانيم بگويم آنها نقشه اي براي سیاست آموزش عمومي طرح کردند. این تعلیمات عمومي مبتني بر به وجود آوردن یک دانشگاه بزرگ بود ، آنگاه آزاد گذاشتن دانشمندان که فقط فرصت هاي خود را به علم بپردازند . به طوري که گرفتارهاي زندگی، آنان را از کار پرداختن به علم منصرف نسازد و مسئله احتیاج و نیاز به معیشت آنان را از گسترش بحث و تحقیق باز ندارد. فاطمیان هزینه زندگی دانشمندان را آنچنان پیش بینی کردند که آنها به کلي از فکر معیشت آسوده باشند. قبل از حرکت فاطمیان اصولا حکومت با کارهاي علمي هیچ گونه ارتباطي نداشت. کسانی از دانشمندان که پدید آمده بودند تنها در اثر کوششهاي شخصی خود شاخص شدند و نوع کردند. من در این سخن هیچکدام از دول اسلامي را استثنا نمي کنم . بعد از و فاق پیغمبر (ص) و بر پا شدن حکومت خلفا تنها کسی که باب علم را بر روی مردم گشود امیرالمومنین علي بن ابی طالب

(ع) بود. او از میان خانه خود و از میان مسجد مسلمانان، مدرسه بزرگ اسلام را بر پا ساخت ، ولی از میان کسانی که نیرو و مال در اختیار داشتند ما هیچ نشنیده ایم که کسی برای امور و مسائل علمی خدمتی کرده باشد.

از مدرسه علی ابن ابی طالب (ع) فارغ التحصیلانی بیرون آمدند که مشهورترین آنها عبدالله بن عباس را می توان نام برد.

حکومت امویان نه تنها در کار علم هیچگونه اندیشه ای نداشت بلکه تنها اندیشه اش کوبیدن دانشمندان و پراکندن و متفرق ساختن آنها بود. در حقیقت آنها که علم را نگهداشتند و مثل فرزند خود از آن پذیرایی کردند و از نسلی به نسل دیگر منتقل ساختند ، پیشوایان شیعه بودند . جای تأسف است که نسلهای ما معمولاً آنچه از علی بن الحسین زین العابدین می دانند محدود است به چیزهایی خیلی سطحی و داستانهایی افسانه ای است. در صورتی که برای حضرت زین العابدین این امتیاز هست که او فکر اصیل اسلامی را مجدداً پایه گذاری کرد و دانشمندانی را تربیت نمود . هر گاه حضرت زین العابدین نبود امویان برای مقاصد شوم خود که در جهل و نادانی نگاه داشتن امت اسلامی بود تا آخرین حد موفقیت نصیب آنها می شد.

تمدن اسلامی امروز موجودیت خود را مدیون خدمات زین العابدین علی بن الحسین می داند. هم اکنون جای تفصیل این سخن نیست .

دولت اسلامی فاطمیان اولین دولتی بود که کار علم و دانش را زیر نظر گرفت و برای علم و دانش نقشه و برنامه ای طرح کرد . آنها قبل از اینکه به کاخ های خود بپردازند دانشگاه برای مسلمانان درست کردند. دولت فاطمیان به این ترتیب اولین دانشگاه بزرگ اسلامی را به نام جامع الازهر در جهان اسلام بر پا داشت. این مهم نیست که فقط دانشگاه الازهر را فاطمیان بسازند ولیکن مسئله مهم نوع متد و روش برنامه های درسی است که در آن اجرا می شود . با اینکه دولت شیعی و دانشگاهش نیز شیعی بود، ولی فاطمیان برای اولین و آخرین بار در تاریخ اسلام اجازه دادند که کلیه اصحاب مذاهب اسلامی در جامع الازهر درسهای خود را هر کدام بر طبق مذهب خود القاء کنند. و برای هر کدام از مذاهب مدرسی تعیین کردند که برای اهل آن مذهب در جامع الازهر درس بدهد. عده دانشجویان هر مذهب با میزان بسط و گسترش آن مذهب در مصر و سرزمینهای مجاور آن تناسب مستقیم داشت. ما از تعداد حلقه های درسی که طلاب و دانشجویان هر مذهب تشکیل می دادند می توانیم بفهمیم که آن مذهب چقدر در مصر و بلاد دیگر گسترش پیدا کرده است. مالکیان پانزده حلقه درس داشتند، شافعیان نیز حلقه های درسشان به همین نسبت بود ولی حنیفیان فقط سه حلقه درس داشته اند. این آزادی مذاهب برای رشد علمی و فکری به تنهایی کاری است که اولین و آخرین با در تاریخ اسلامی مشاهده می شود. وقتی کار حکومت فاطمیان به پایان رسید و حکومت را منحل کردند این نوع آزادی مذهبی نیز به کلی بر چیده شد، کار بزرگی که فاطمیان برای اولین بار در جهان اسلام بلکه باید گفت در همه دنیا انجام دادند. و این کار بزرگ را دنیا نفهمیده بود مگر در این عصر و زمان ما، که همان فراخواندن دانشمندان از خارج بوده است. دانشمندانی که خارج از حوزه قدرت و نفوذ فاطمیان بودند با رنج و سختی ، و تهدیدستی و فقر بسر می بردند ، زندگی آنان مصیبتی ناگوار و سخت بود. فاطمیان کسانی را به سوی آنها می فرستادند و آنان را به سوی خود دعوت می کردند و برای آنها یک زندگی عالی و خوب را تضمین می کردند . ما به عنوان مثال برخی از نامهای شخصیت هائی را از هر عصر به میان می آوریم ، زیرا نمی توانیم همه اسامی آنها را در اینجا نام ببریم .

چیز دیگری که ما را نسبت به فاطمیان به شگفتی وامی دارد این است که همه دانشمندانی که به سوی آنها فراخوانده شدند یا خود بر آنها وارد شدند و مورد اکرام آنها واقع گردیدند و همه آنها که بر آنان وارد شده و در آن محیط فارغ و آسوده به کار علم پرداختند و زندگی شان را تأمین کردند ، همه دارای مذهبی غیر از مذهب فاطمیان بودند . یکی از آنها عبدالسلام قزوینی ، بزرگ معتزلیان است که به مصر آمد و مدت چهل سال در آنجا رحل اقامت افکند و تعالیم مذهبش را برای شاگردان خود تدریس می کرد. دیگر قاضی ابوالفضل محمد بغدادی پیشوای شافعیان است که او نیز به مصر آمد و هر چه خواست احادیث و تعالیم مذهبش را برای جزوه نویسی املاء کرد تا در سال 414 هجری زندگی را بدرود گفت. و نیز دیگری به نام ابوالفتح سلطان بن ابراهیم فلسطینی است که در سال پانصد و هیجده از دنیا رفت. و شماری دیگر ابوالحجاج میورقی، مجلی بن جمیع مخزومی، قاضی علی موصلی، و ابو محمد عبدالله سعدی می باشند.

اینها همه در دوره های متفاوت بوده اند و این چهار کس که در پایان نام بردیم از کسانی هستند که

برای فاطمیان با توجه به اینکه شافعی مذهب بودند، متصدی منصب قضاوت گردیدند. و از فقهای مالکی که به مصر فاطمیان روی آورد کسانی مانند محمد بن سلیمان معروف به ابوبکر نعال است که به سوی مصر آمد، گسترش و حلقه درسش در الازهر تا حدود 17 عمود می رسید. در اینجا داستان فقیه مالکی مذهب عبدالوهاب بن علی را باید نقل کرد. کسی که خطیب در تاریخ بغداد در باره او گوید: در همه مالکی مذهبیان از او فقیه تر دیده نشده است. دنیا به حدی بر او تنگ گرفت که چیزی نمانده بود از گرسنگی در بغداد بمیرد و جانی را برای حمایت از خود در برابر گرسنگی جز مصر فاطمیان پیدا نکرد و چون به مصر آمد، مال و ثروت به او روی کرد و مأمور شد تا با خیال راحت به بحث های علمی و تحقیقی اش بپردازد، ولی از قضا دیری نپائید مبتلا به فلج شد آنگاه گفت: لا اله الا الله! وقتی به زندگی رسیدیم درست همان وقتی است که باید بمیریم.

دیگر عبدالجلیل مخلوق ثقلی و ابوبکر طرطوسی و دیگرانند. ما کوشیدیم از هر دوره تاریخی تنها یک نفر را برای نمونه ذکر کنیم تا آشکار کنیم که این برنامه ادا می داشته و هیچ گاه قطع نشده است و جز نامهایی که بر شمردیم صدها نام دیگر وجود دارد که نمی توان آنها شمار کرد و آمار گرفت، و جز این تعدادی که نام بردیم فاطمیان تنها دولتی هستند که کتابخانه های بزرگ در اسلام تأسیس کردند. این کتابخانه ها عددش به طور اعجاب آوری فزونی گرفت و تا اندازه ای در آنها کتاب گرد آمد که ما را امروز به حیرت می اندازد. برای نمونه کافی است که کتابخانه کاخ را که تعداد ششصد و یک هزار کتاب داشت نام ببریم. تنها این کتابخانه کاخ بوده است. برای تسهیل مطالعه مراجعه کنندگان کتابهای مادر یعنی کتابهای بزرگ مورد نیاز به قدری ذخیره می شد که تعداد آنها را می توان به صدها نسخه رساند، در این کتابخانه نگهداری می شده است.

نباید فراموش کرد که وجود این همه کتاب در دوران طبع و نشر نبوده است. در این دوره هر کتابی را از اول تا آخر دست نویسی می کرده اند. این مطالبی که گفتیم در هیچ دولتی از دولت های جهان اسلام نظیرش دیده نشده است مگر در دولتهای شیعی دیگر که در وسعت قلمرو به وسعت دولت فاطمیان نمی رسند، مانند دولت عماریان.

دولت بنی عمار

دولت بنی عمار یا عماریان سومین دولت شیعی عربی است که از آن نام می بریم. این دولت در سواحل لبنان و سوریه برپا گردید و قطعه کوچکی از زمین را در تصرف گرفت. از این رو عظمت دولت فاطمیان و امکانات آن را نداشت. با این وصف کتابخانه بنی عمار در پایتخت مملکتشان طرابلس مشتمل بر بیش از یک میلیون کتاب بود.

در عهد دولت بنی عمار یک نهضت علمی و فکری مهمی در طرابلس شکل گرفت که دانشمندان و دانشجویان را از هر جای دنیا بدان سرزمین جذب می کرد تا جایی که از اندلس دانشمند بزرگ اندلسی احمد بن محمد طلیطلی بدان سرزمین روی آورد و بنی عمار سرپرستی و اداره کتابخانه بزرگشان را به او واگذار کردند.

در این کتابخانه تنها 180 نفر به کار گمارده شده بودند که کارشان تنها کتاب نویسی و خرید و جمع کتاب بود. یکی از نویسندگان محقق می گوید طرابلس در دوران حسن بن عمار رونق به سزایی یافت. از نظر دنیای فکر و اندیشه، طرابلس مرکز و مقام اول برای همه سوریه پیدا کرد. محقق دیگر گفته است: از این کتابخانه آنچنان علم در تمام شهر منتشر شد که مورخین گفته اند طرابلس سراسر خانه علم گردید.

دولت حمدانیان

در شمال سوریه دولت شیعی دیگری به نام دولت حمدانی پدید آمد. قهرمان این دولت سیف الدوله حمدانی است. او را نباید تنها قهرمان این حکومت خواند بلکه او قهرمانی از بزرگترین قهرمانان جهان اسلام در همه ادوار تاریخ اسلام است بلکه او یک قهرمان جهانی بزرگی است که با ید قهرمانیش را در تاریخ جهان با دیگر قهرمانان بزرگ جهان که در تاریخ همه ملتها معرفی شده اند مقایسه کرد.

این که من در گفتارم از فاطمیان و بنی عمار اشاره قهرمانی های آنها در میدان های نبرد و لشکر کشی ها نکردم به خاطر اینست که فاطمیان در نبرد خود با رومیان، آنهایی که فکر می کردند جهان اسلام به کلی متلاشی شده و با نابود ساختن اسلام در این بلاد می توانند همه اراضی سابق خود را به دست آورند و بلاد اسلام را از مسلمانان بپردازند و نیز با وجود قهرمانی بنی عمار در جنگ و نبردشان با صلیبین، جنگی که به قهرمانی جاودان آنها منتهی شد، اینکه من اشاره به این قهرمانی ها نکردم در

وقتي که از این حکومت های مهم اسلامي سخن مي گويم، علتش این است که وقت به من اجازه نمي داد. ولي سخن از دولت حمدانيان به ميا آمد. من به ناچار بايد با اشاره کوتاه و زود گذري از آنها سخن به میان بياورم، زیرا هر چند رهبر آنها سيف الدوله حمداني بايد با اشاره کوتاه و زود گذري از آنها سخن به میان بياورم، زیرا هر چند قصد من را انجام نمي دهد ولي بهتر از این است که به کلي ذکري از آنها نشود.

دولت فاطمیان توانست در شديد ترين موارد احتياج به حمايت و مدد اسلام بپاخيزد و با روميها در خطرناک ترين و شديدترين نبردها شرکت کرد و موفق شد رومي ها را به عقب برگرداند و خود پيروزمندانه از معركة بيرون آيد.

فاطمیان براي پيشبرد عالم اسلام موفق شدند کشتي هاي عظيم جنگي فراهم آورند. این ناوگانهاي جنگي بزرگترين کشتي جنگي روز در درياي مدیترانه معرفي مي شد .

يکي از مورخين از این ناوگانها به این صورت نام برده است :

تعداد کاپيتانهاي ناوگانهاي جنگي فاطمیان در قرن چهارم هجري برابر قرن دهم ميلادي به پنج هزار کاپيتان رسیده بود و تعداد کشتي هايشان بالغ بر 220 کشتي جنگي بود. به این ترتيب بود که این کشتي هاي جنگي، اروپائيان را مجبور کرد با کشتي هايشان به طرف شمال شرقي مدیترانه عقب بروند. زیرا بر سراسر این درياي بزرگ ناوگانهاي جنگي فاطمیان مسلط شده بود از تنگه جبل الطارق تا بندر بيروت همه تحت سيطره حکومت فاطمیان بوده .

بني عمار نیز با طليبيان سخت به جنگ پرداختند و با سخت ترين حملات خود آنها را از طرابلس عقب زدند. فخر الملک عمار بن محمد بن عمار ، سخت و پا بر جا تا پنج سال در برابر طليبيان استقامت ورزید. او با صليبيان در دريا و خشکي به عنوان دفاع از اسلام مبارزه کرد . ولي لشگر صليبيان مانند سيل از اروپا به سوي مشرق سرازير شده بود .

بعد از 5 سال این سيل عظيم لشگريان اروپائي صليبي با دفاع قهرمانانه اي که از طرابلس مي شد توانست وارد طرابلس شود .

اما حمدانيان از اولين ساعتی که دولت آنها تأسيس شد خود را رسماً روياروي روميان مي دیدند . روميان که آرزو مي کردند سيطره خود را بر جهان اسلام آنچنان مسلط کنند که سرزمين هاي خود را از مسلمانها باز پس گیرند، از مسلمانان سيف الدوله با لشگر کشي که داشت در برابر سيل آنها مقاومت کرد . سيف الدوله فقط در قسمت شمال سوريه حکومت مي کرد و مراکز او و پایتختش شهر حلب بود. وقتي مقايسه کنيم بين کمبود قلمروي را که حمدانيان داشتند و وسعت عظيم جهاني که رومي ها مسلط بر آن بودند ، در نظر بگيريم و مقايسه کنيم بين مقداري که رومي ها مي توانستند تهيج سپاه بکنند و بين بسيجي که سيف الدوله از سربازانش مي توانست براي جنگ تجهيز کند ، وقتي بين اينها مقايسه کنيم، مي بينيم که فرق عظيمي میان این دو بوده است ، ولي سيف الدوله با نيروي کمش توانست با حملات شنيع و شديد روميها که به رهبري «فکفر فکاس» بود مقابله کند و به مقاومت بر خيزد.

سيف الدوله موفق شد این جمعيت عظيم را از جهان اسلام بيرون کند. سيف الدوله خود شخصا در چهل نبرد شرکت کرد و طلايه هاي لشگريانش به قلب آناتولي در ترکیه برسد ، چيزي نمانده بود که به قسطنطنيه راه يابد . جنگهاي سيف الدوله سرودهاي در دهان شعرا بود . او دوست مي داشت که شعرا با او همراه باشند تا با چشم خود ميدان نبرد را ببينند ، قصائد متنبی در جنگهاي سيف الدوله که بیش از 80 قصیده است از عاليترين ادبيات عرب براي نشان دادن جنگهاي قهرمانانه حمدانيان محسوب مي شود. در کنار این وضع مي بينيم که حلب پایتخت شعر و ادب و اندیشه و دانش عربي بود و با وجود گرفتاريهاي جنگي که داشت از اینکه دولتش یک دولت شيعي اصیل باشد، منصرف نگردید و وظيفه دولت شيعي اصیل را در توجه ویژه اي که به نگهداري دانشمندان و عنايت مخصوص به متفکران و توجه مخصوص به شعراء کوتاهي نکرد. از این دانشمندان، فيلسوف هايي چون فارابي و ابن خالويه و دانشمندان متنبی و صدها از این قبيل مردان در کنار این دولت زندگي کردند.

دولت مرداسيان

وقتي دولت حمداني سالخورده شده و از بين مي رفت بر روي خرابي ها و ويرانيهاي آن دولت شيعي ديگري براي نجات آن بر پاشد . دولت اخير که از شهرت به عظمت دولت حمداني معرفي نشده است، ولي در عظمت نظامي و فکري کمتر از دولت حمدانيان نبوده است، دولت مرداسيان است . همانطوري که خداوند، فاطمیان ، حمدانيان ، بني عمار و ساير دولتهاي شيعي را براي جنگ در راه اسلام به وجود آورد، همچنين خدای بزرگ دولت شيعي بني مرداس را براي نبرد به حمايت از جهان اسلام به وجود آورد

و همان طور یکه شعرا نبردهای بنی حمدان سیف الدوله را شرح می دادند همچنان برای مرداسیان در توصیف نبردها شان شعرها می سرودند و نیز برای مرداسیان علما و متفکران و مورخان وجود داشتند و علم و فکر آنها را چنانچه در آن دولت ها بودند، توصیف می کردند .

#### دولت مزیدیه

دولت مزیدیه در عراق به وجود آمد . این دولت اگر نمی توانست فرصت و موقعیت لشگری مانند دولت های سابق داشته باشد ، ولی در میدانهای فکری و ادبی کمتر از آنها نبود . ما می توانیم بگوئیم پایتخت آن شهر حله در زمان مؤسس آن «صدقه مزیدی» یکی از بزرگترین پایگاه های علمی و فکری و فرهنگی بود. از همان روز نخست صدقه به فکر ایجاد یک کتابخانه بزرگی در مرکز حکومتش افتاد. او موفق به این کار شد و کتابخانه حله پناهگاه کلیه دانشمندا از هر کجا گردید.

#### دولتهای زیدیان

من در اینجا اشاره به یکی از مذاهب شیعه به نام مذهب زیدی می کنم. زیدیان در میان اعراب و غیر اعراب بیش از یک دولت به وجود آوردند . این مذهب امروز به یمن محدود شده است. همان وقتی که دولت زیدی در یمن کار می کرد دعوتهایی به نفع حکومت زیدی در همین ایران شما در شهرهایی که در قدیم به نام طبرستان و جبل و دیلم خوانده می شد، صورت گرفت همچنین در گرگان، در استر آباد و کوههای شمالی برای زیدیان تبلیغ می شد .

زیدیان ایران موفق شدند چندین دولت زیدی در ایران تأسیس کنند. میان زیدیهای ایران و شیعیان زیدی یمن ارتباط برقرار بود. بین آنها نامه هایی مبادله می گردید و رفت و آمدهایی صورت می گرفت. چیزی که باید برای پیشوایان زیدی یمن گفت این است که ائمه زیدی در یمن احترام به فکر می گذاشتند و نسبت به مقام علم و عالم تجلیل می کردند. به عنوان دلیل این مطلب توجه شما را به مطلب زیر جلب می کنم .

صاحب کتاب اکلیل به نام حسن بن احمد همدانی را آل یعفر به زندان انداخته بود. همدانی فکر می کرد که این عمل ، به اشاره و رأی ناصر بن احمد بن یحیی هادی ، یکی از پیشوایان زیدی صورت گرفته است. او به انتقام از پیشوایان زیدی کتابهای خود را از حمله به آنها پر کرد . این حملات نه فقط به کسی بود که او را به زندان انداخته بود ، بلکه شامل همه پیشوایان زیدی و همه پیروان آنها بود . با این حال پیشوایان زیدی از این کتاب ها احترام کردند و خود و قومشان از اینکه همدانی در این کتاب بر مذهب آنها حمله کرده است ، صرف نظر کردند و خود را به نادانی از آن نوشته زدند و آن کتابها را نگه داشتند و اجازه ندادند کسی دست خیانت به آنها دراز کند.

این کتابها فقط در کتابخانه های محفوظ آنها نگهداری شد و هیچکس نتوانست آنها را بسوزاند یا از بین ببرد ، ما برای نمونه کتاب دامغه و شرح کتاب دامغه را نام می بریم که به منظور حمله به آنها و انتقام از آنها نوشته شده بود. آنان خود در حفظ و نگهداری این کتاب که نزدشان بود توجه کردند. از این رو تا امروز از بین نرفته است و تنها از کتابخانه های آنان به دست ما می رسد. این در حالی است که در کلیه بلاد اسلامی کتابهای فرقه معتزله را نابود کردند و این کتابها همه از بین رفت. فقط در خزائن و کتابخانه های محفوظ یمنیها آثار معتزله به جای ماند . وقتی ما این حکام و زمامداران را با دیگران مقایسه کنیم مثلا وقتی اینان را با صلاح الدین ایوبی در برابر هم قرار می دهیم، کسی که همه نوشته های فاطمیان و کتابهایی که آنها در کتابخانه هایشان جمع کرده بودند همه را نابود کرد و فقط دلیلش این بود که کتابها مال فاطمیان است حتی کتابهایی که فاطمیان تألیف نکرده بودند و پیروانشان نوشته بودند و حتی کتابهایی که کمترین رابطه با فاطمیان و مذهبشان نداشت، آنها را نیز نابود کردند.

اینها کتابهای علمی و ادبی و تاریخی بود . تنها گناه این کتابها این بود که در کتابخانه فاطمیان جمع شده بود.

وقتی ما میان اینها مقایسه می کنیم می بینیم چه تفاوت عظیمی در بین هست ، ولی تعجب ما از آنجا از بین می رود که می دانیم شیعیان زیدی از مرامی استفاده کرده بودند که از ریشه و مبنای احترام به عقیده و فکر یعنی تشیع راستین سرچشمه گرفته بود.

#### تشیع جبل عامل

این بود گوشه ای از تاریخ تشیع در نزد همه اعراب.

من دوست می داشتم وقت زیادتری از تاریخ تشیع در نزد همه اعراب برای شما شرح بدهم ولی من سخنم را در این باره کوتاه کرده و تنها بحث تشیع را به لبنان می برم و حد اکثر استفاده را از آن می کنم .

در این کشورها که نام می برم شیعه به نسبت های مختلفی پیدا می شود: عراق - لبنان - کویت - بحرین - مسقط - عمان - سوریه - قطیف و احسا از کشور سعودی حجاز ، قطر - دوبی و جمیع شهرهای خلیج فارس . شیعیان در یمن، همه زیدی هستند. غیر از شیعه زیدی در یمن شیعیان دیگر خیلی کم اند ، اما وقتی سخن از شیعیان لبنان به میان می آید به خاطر این نیست که لبنان کشوری است که من به آنجا منسوبم ، بلکه به خاطر آن است که شیعیان در لبنان نفوذ و تأثیری بیش از همه اقطار شیعی عربی و غیر عربی داشته اند .

تأثیر شیعیان را در نقاط مختلف به طور متفاوت باید به حساب آورد، ولی به طور قطع با اختلاف نفوذی که هست در همه جای لبنان این نفوذ موجود است.

اگر ما نفوذ نجف اشرف را استثناء کنیم، به خاطر اینکه نجف مرکزی است که نقش موثری در رهبری همه شیعیان جهان داشته و بزرگان از مجتهدین را به همه کشورهای شیعی فرستاده است و کلیه خیر و صلاحی که در کشورها ملاحظه می شود از ناحیه رهبری فرزندان تربیت شده نجف اشرف است، در درجه دوم بعد از موقعیت نجف هیچ سرزمینی به اندازه لبنان تأثیر روی شیعیان جهان نگذاشته است . وقتی سخن از لبنان به میان می آید . منظور فقط یک ناحیه لبنان است که به نام جبل عامل خوانده می شود . از اینرو من اسم لبنان را حذف می کنم و به جای آن فقط جبل عامل می گویم ، جبل عامل را امروز جنوب لبنان یا لبنان جنوبی می گویند و شیعیان لبنان فقط در جبل عامل نیستند بلکه در جاهای دیگر نیز یافت میشوند . بعد از جبل عامل مهمترین نقاطی که در لبنان شیعه وجود دارد یکی بعلبک و دیگری هرمل است ولی تأثیر سرزمین جبل عامل از همه جاهای دیگر لبنان در تشیع بیشتر است. به این ترتیب از اینجا ما اسم جبل عامل را به جای کلمه لبنان به کار می بریم .

شیعیان در جبل عامل معتقدند که سابقه تشیع آنجا به ابوذر غفاری می رسد . وقتی عثمان ابوذر غفاری را به شام تبعید کرد، آنگاه معاویه او را از شام به یکی از کوه های شام فرستاد . مردم جبل عامل می گویند آن کوهی که معاویه ابوذر را به آنجا فرستاد همان کوه جبل عامل است و دلیلشان این است که در دو دهکده قدیمی جبل عامل، دو مسجد قدیمی است که هر دو نام ابوذر غفاری را بر روی خود دارند . به این ترتیب آنها معتقدند اولین سرزمینی که تشیع را بعد از حجاز به خود گرفت، آنچنان که در سخنرانی قبل گفتم، سرزمین جبل عامل است . آیا تاریخ در این باره چه عقیده دارد؟

اینکه عثمان ابوذر را از مدینه به شام تبعید کرد و معاویه او را از شام به یکی از کوهها فرستاد از نظر تاریخ جای تردید نیست ولی اینکه آیا ابوذر غفاری در تشیع جبل عامل موثر بوده است مطلبی است که از نظر تاریخ نمی شود ثابت کرد. مخصوصاً وقتی که توجه کنیم که در سوریه و لبنان و جبل عامل بعد از تبعید ابوذر چه حوادث مهمی پیش آمد . این حوادث کافی بود که ریشه تشیع را از آن سرزمینها برکنند. بر فرض بتوانیم ثابت کنیم که جبل عامل در زمان ابوذر تشیع را پذیرفته بود . من این مسئله را در همه مآخذ تاریخی پیگیری کردم در نتیجه به این مطلب رسیدیم که تشیع جبل عامل به دوران حکومت فاطمیان منتهی می شود. زیرا جبل عامل در آن روز زیر حکومت فاطمیان بود، و از آن روز تشیع به همه سرزمینهای فلسطین و سوریه گسترش یافت .

اگر به نوشته های جهانگرد ایرانی ناصر خسرو مراجعه کنیم در کتاب مخصوص جهانگردیش «سفر نامه» چیزهای فراوانی در باره تشیع در نقاط نامبرده می بینیم.

مسئله ای که جای سؤال است این است که چرا تشیع از بلاد فلسطین و سوریه رخت بر بست و در لبنان باقی ماند؟

من علل رخت بر بستن تشیع را از این سرزمین ها ، بعد از مطالعات زیاد فهمیدم. همه آن اسباب و علل را نمی توان در این وقت کم بر شمرد. فقط کافی است که بگوئیم جبل عامل تشیع خود را پیوسته نگهداری کرد و علی رغم فشارها و ناراحتی ها و پیش آمدهای بدی که برای آن می شد ، آنرا حفظ کرد و به عنوان عالیترین وضع از آن حمایت کرد.

من برای اینکه تصویری از تشیع جبل عامل به شما داده باشم کافی است که نوشته «امل الامل» را برای شما نقل کنم . صاحب کتاب امل الامل که تقریباً 300 سال قبل می زیسته است نوشته است : تعداد دانشمندان شیعی جبل عامل در حدود یک پنجم (خمس) همه دانشمندان متأخر شهرهای



اسلامی هستند.

همچنین آثار کتب و نوشته های آنها یک پنجم مجموع نوشته های شیعیان جهان است. با اینکه سرزمین های آنها کمتر از یکصد سرزمین های کشورهای دیگر اسلامی است و با وجود این که مآخذ و مصادری در دست ما نیست تا بگوئیم قبل از امل الامل وضع شیعیان در جبل عامل چگونه بوده، ولی آثار و اخباری که به ما رسیده است، نشان می دهد اگر این نسبت و این میزان دقیق نباشد، ولی در همین حدود است. می توان گفت بعضی از خدماتی که علمای جبل عامل کرده اند جنبه تشیع جهانی داشته است. آثار آنها را شیعیان در جاهای دیگر سند خود قرار دادند و هنوز نیز چنین است. مانند کتابهایی که در زیر نام می بریم :

کتاب مدارک سید جمال الدین .  
معالم شیخ حسن زین الدین .  
لمعه ی شهید اول محمد بن مکی .  
وسائل حر عاملی .

مفتاح الکرامه ی سید محمد جواد امین و کتابهای دیگر .

با اینکه بسیاری از دانشمندان شیعه برای دفاع از تشیع کشته شدند، ولی دو نفر از مردم جبل عامل افتخار لقب شهید اول و شهید دوم را یافته اند .  
درباره شهید سوم نامهایی برده می شود از افرادی که از جبل عامل نیستند .  
آقایان! آنچه را تا به حال برای شما بیان کردم بیشتر مربوط به تاریخ گذشته بود، اما آنچه مربوط به امروز باشد ناچیز بود. اگر من به این کار با علاقه و جدیت پرداختم به خاطر این است که عقیده دارم باید این صفحات تاریخی ولو به طور فشرده ثبت شود تا از نابودی و ویرانی حفظ گردد.  
آنچه از گذشته برای شما گفتم به خاطر این بود که زمینه ای باشد تا به زودی موافق شوم با شما در باره وضع کنونی و آنگاه از آرزوهای خود برای آینده شیعه سخن بگویم.  
و السلام علیکم

<http://www.historylib.com>